

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

صص ۳۳-۵۷ (مقاله پژوهشی)

نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ»

محمدحسین برومند^۱، امیر جودوی^۲، سامیه شهبازی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» در آیه ۳۸ سوره انعام، یکی از مواضع مورد اختلاف مفسران است که گروهی، این عبارت را با توجه به ارتباط با آیات قبل تفسیر کرده و آن را دلیلی بر قدرت خداوند در نزول آیهی خواسته شده از طرف کفار دانسته‌اند. گروهی دیگر، به تفسیر مستقل این بخش پرداخته و وجوهی چون شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن، شناخت و عبادت خدا، ضبط اعمال برای روز حشر، امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، هدایت و... را میان انسان و حیوان مشترک دانسته‌اند. توجه به ارتباط میان این آیه با آیات قبل و همچنین توجه به مفهوم واژه‌ی «امم»، بحث اعجاز علمی را در این آیه برجسته ساخته و نشان می‌دهد که امت بودن حیوانات و تعاملات اجتماعی آن‌ها، می‌تواند همان آیه‌ای باشد که کفار خواسته‌اند؛ اما همان‌طور که در آیه ۳۷ آورده شده، «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

کلید واژه‌ها: آیه ۳۸ سوره انعام، اُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ، اعجاز علمی، تفسیر تطبیقی.

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول)؛

m.h.baroomand@yazd.ac.ir

amirjoudavi@yazd.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد؛

samieshshabazi7@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد؛

۱- طرح مسئله

دسته‌ای از مفسران، به بررسی مستقل آیه‌ی ۳۸ پرداخته و آرائی متعدد در خصوص عبارت «أُمَّمٌ أُمَّتَالِكُمْ» آورده‌اند. از جمله‌ی این آراء، موارد زیر است:

شباهت میان انسان و دیگر موجودات در مخلوق بودن و یا داشتن شئون مختلف حیات از جمله رزق (قمی ۱۹۸/۱؛ طبری، ۱۱۸/۷-۱۲۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۶/۴؛ و...)، معرفت و شعور حیوانات در تسبیح و تقدیس خداوند (ابوعبیده، ۱۹۱/۱؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ و...)، عدل الهی و حفظ اعمال موجودات برای حشر و حسابرسی (طبری، ۱۱۸/۷-۱۲۰؛ ماتریدی، ۷۹/۴-۸۰؛ و...) و داشتن زندگی اجتماعی (طبری، ۱۱۹/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴؛ و...)، یکسان بودن همه‌چیز از نظر نشأت گرفتن از روح خداوند (عرابی، ۱۴۲۶، ج ۱/۱۹۶)، نیازمندی همه‌چیز به خداوند (طبرانی، ۲۵/۳)، شبیه بودن در هدایت همه چیز توسط خداوند (ابن جوزی، ۲۶/۲؛ و...)، شباهت برخی انسان‌ها به حیوانات در داشتن صفات حیوانی (شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ و...)، شبیه بودن در دریافت فضل الهی (ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ رضا، ۳۹۰/۷)، شباهت در احاطه خداوند بر همه اشیاء (قطب، ۱۰۸۳/۲؛ قاسمی، ۳۵۰/۴؛ و...)، شباهت از نظر امت بودن یعنی هر صنف مشتمل بر عدد بسیاری هستند (شباهت در کثرت هر صنف) (دخیل، ۱۷۳؛ ماتریدی، ۷۹/۴-۸۰؛ و...) و نظم فطری (ابن‌عاشور، ۸۹/۶).

دسته‌ای دیگر از مفسران، آیه را مرتبط با آیات قبل تفسیر کرده و آن را اشاره به قدرت خداوند دانسته‌اند؛ به این معنا که خدایی با چنین قدرت، قطعاً می‌تواند خواست کفار مبنی بر نزول آیه را تحقق بخشد (بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ و...)^۱.

۱. خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۱-۳۲۵؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۸/۱؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ ابن‌عجیبه، ۱۱۵/۲؛ شبیر، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶؛ قطب، ۱۰۸۳/۲؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ جزایری، ۵۷-۵۶/۲؛ صابونی، ۳۶۱/۱.

مقاله‌ی حاضر، درصدد است تا به این سؤالات پاسخ گوید که:

۱. در تفسیر عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ»، چه آراء تفسیری آورده شده است؟
۲. کدام‌یک از این آراء، قابل پذیرش هستند؟
۳. بررسی ارتباط میان آیه‌ی ۳۸ با آیات قبل، در انتخاب آراء قابل قبول و تکمیل نظرات مفسران درخصوص این آیه، چه کمکی می‌کند؟
۴. چه اعجاز علمی در این آیه وجود دارد که می‌تواند پاسخی برای درخواست کفار در آیات قبل باشد؟

این بررسی‌ها، نشان خواهد داد که توجه به ارتباط میان آیه‌ی ۳۸ با آیات قبل، وجه اعجاز موجود در آیه را برجسته ساخته و این مصداق اعجاز علمی، خود می‌تواند پاسخی به درخواست کفار مبنی بر نزول آیه باشد.

۲- دسته‌بندی آراء مفسران

از میان حدود یک صد و هفتاد تفسیر بررسی شده در این تحقیق، یک صد و سی و پنج تفسیر به توضیح آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام پرداخته و بقیه مفسران، درخصوص این آیه سکوت کرده‌اند. اکثر مفسران، به‌طور مستقل و جدای از دیگر آیات، به بیان تفسیر این آیه پرداخته‌اند و عده‌ای دیگر، مفهوم آیه‌ی ۳۸ را مرتبط با آیات قبلی می‌دانند.

۱-۲. تفسیر آیه مستقل از آیات قبل

۱-۱-۲. دسته‌ی اول: شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن

تقریباً نیمی از مفسران در تفاسیر مورد بررسی، وجه تشابه در عبارت «أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» را شباهت انسان و موجودات در مخلوق بودن و نیاز به خداوند در رزق، تدبیر و شئون حیات دانسته‌اند. دسته‌ای مانند قمی، تنها به مخلوق بودن همه‌ی موجودات اشاره کرده‌اند (قمی، ۱۹۸/۱؛ طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۶/۴؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ ماتریدی، ۷۹/۴؛

و...^۱ و دسته‌ای دیگر، این شباهت را علاوه بر خلق، در موت، بعث، حیات، رزق و تدبیر نیز می‌دانند (سمرقندی، ۴۴۵/۱؛ طبرانی، ۲۶/۳؛ طوسی، ۱۲۷/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۵/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۷/۲۸۱؛ و...).^۲ از میان متقدمان، این قول به سدی نسبت داده شده است (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵-۱۲۸۶؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶-۲۲۷/۳؛ سیوطی، ۱۱/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲). عده‌ای از مفسران، موضوع نیازمندی مخلوق به خالق را محور شباهت قرار داده و این‌گونه تفسیر می‌کنند که هیچ جنبنده‌ای در زمین و آسمان نیست، مگر آنکه مانند انسان به خداوند نیاز دارد (طبرانی، ۲۵/۳؛ جرجانی، ۶۰۶/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۴/۴۶۱؛ و...).^۳ ابن‌عادل در اللباب فی علوم الكتاب و رشید رضا در المنار (ابن‌عادل، ۱۲۴/۸؛ رضا، ۳۹۰/۷)، این شباهت را در یکسانی تمامی موجودات در دریافت فضل، عنایت، رحمت و احسان الهی دانسته‌اند. این دسته از مفسران، دلیل برای رأی خود نیاورده‌اند.

۲-۱-۲. دسته‌ی دوم: شباهت در شناخت و عبادت خدا

از میان تفاسیر بررسی شده، حدود یک‌سوم، وجه شباهت را در وجود شعوری مشابه

-
۱. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۴/۴۶۱؛ طبرسی، تفسیر جوامع‌الجامع، ۳۷۷/۱؛ نیشابوری، ۲۹۴/۱؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳؛ نظام‌الاعرج، ۷۵/۳؛ خازن، ۱۱۱/۲؛ ابن‌عرفه، ۱۵۳/۲؛ سیوطی، ۱۱/۳؛ فیض‌کاشانی، ۱۱۸/۲؛ حویزی، ۷۱۴/۱؛ بحرانی، ۴۱۶/۲؛ قمی‌مشهدی، ۳۲۲/۴؛ شبر، الجوهر‌التمین فی تفسیر‌الکتاب‌المبین، ۲/۲۵۵؛ مغنیه، التفسیر‌الکاشف، ۱۸۵/۳؛ رضا، ۳۸۹/۷-۴۰۳؛ حاتری‌طهرانی، ۱۶۵/۴؛ آل‌غازی، ۳۳۹/۳؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ فضل‌الله، ۹۰/۹؛ زبیدی، ۲۶۵/۲؛ دخیل، ۱۷۳؛ امین، [بی‌نا] - [بی‌جا]، ۳۵/۵؛ صابونی، ۳۶۱/۱؛ داورپناه، ۱۷۵/۱۲؛ دهقان، ۱۹۷/۳.
 ۲. میبیدی، ۳۴۳/۳؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ فخررازی، ۵۲۵/۱۲؛ نسفی، ۱۷/۲؛ ابن‌جزی، ۲۶۰/۱؛ ابوحنبل، ۵۰۱/۴؛ جرجانی، ۵۴/۳؛ سمین، ۵۲/۳؛ خازن، ۱۱۱/۲؛ تعالی، ۴۶۲/۲؛ محلی، ۱۳۵؛ سیواسی، ۱۴-۱۳/۲؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشانی، ۳۸۶/۳؛ کاشفی، ۲۷۸؛ کاشانی، ۳۳۵/۱؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۷-۴۱۸؛ پانی‌پتی، ۲۳۴/۳؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۲۶۲/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ سبزواری، ارشاد‌الاذهان الی تفسیر القرآن، ۱۳۷؛ جزایری، ۵۶/۲.
 ۳. نیشابوری، ۲۹۴/۱؛ نسفی، ۱۷/۲؛ ابوحنبل، ۵۰۲/۴؛ اشکوری، ۷۵۴/۱؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن‌المجید، ۲۸/۳؛ سیدکریمی‌حسینی، ۱۳۲؛ رضایی‌اصفهانی، ۸۰/۶؛ حوی، ۱۶۲۱/۳؛ دهقان، ۱۹۷/۳.

انسان در حیوانات دانسته‌اند و اینکه حیوانات هم نسبت به خداوند، شناخت و معرفت داشته و به اندازه‌ی توان خود، خدا را تسبیح و تقدیس می‌کنند (ابوعبیده، ۱۹۱/۱؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ ماتریدی، ۸۰/۴؛ ثعلبی، ۱۴۶/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳؛ و...).

در اثبات این موضوع، برخی به آیات قرآن از جمله «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (الاسراء، ۴۴) و آیه‌ی «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (النور، ۲۴) استناد کرده‌اند (میبدی، ۳۴۳/۳؛ فخررازی، ۵۲۴-۵۲۵؛ ابوحیان، ۵۰۲/۴؛ و...).

طباطبایی در تفسیر المیزان، در توضیح شعور داشتن حیوانات آورده است که مراد از شباهت بین انسان و حیوان، تنها در شئون حیات نیست؛ بلکه جهت اشتراک اصلی، در مسئله‌ی بازگشت به سوی خدا است که باید دید ملاک بازگشت انسان به خدا و حشر او چیست؛ چرا که همان ملاک، ملاک حشر حیوانات نیز خواهد بود. وی سپس این ملاک در انسان را نوعی از زندگی ارادی، شعور و یا به عبارتی دیگر، فطرت معرفی می‌کند (طباطبایی، ۷۳/۷).

همچنین در تفسیر نمونه، در این خصوص آمده است: «منظور شباهت آن‌ها با انسان، از نظر درک و فهم و شعور است؛ یعنی آن‌ها نیز در عالم خود دارای علم و شعور و ادراک هستند، خدا را می‌شناسند و به اندازه‌ی توانایی خود، او را تسبیح و تقدیس می‌گویند» (مکارم شیرازی، ۲۲۲/۵). هرچند استناد به این آیات، وجود شعور و تسبیح در حیوانات را نشان می‌دهد؛ اما برای اثبات آنکه وجه شباهت مورد نظر در «أُمَّمُ أُمَّتَالِكُمْ» باشد، کافی نیست.

۱. جرجانی، ۶۰۶/۱؛ ابن جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ روزبهان بقلی، ۳۵۴/۱؛ خازن، ۱۱۱/۲؛ ثعلبی، ۴۶۲/۲؛ ابن عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشفی، ۲۷۸؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ جمل، ۳۴۵/۲؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۸۵/۳؛ ثعلبی، ۴۶۲/۲؛ ابن عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشفی، ۲۷۸؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ جمل، ۳۴۵/۲؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۸۵/۳؛ رضا، ۳۹۳/۷؛ نهایندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق حسن خان، ۳۶۸/۲؛ نووی، ۳۱۶/۱؛ طیب، ۶۱/۵؛ قرائتی، ۴۵۱/۲؛ رضایی اصفهانی، ۸۱/۶؛ هاشمی رفسنجانی، ۷۱/۵؛ تقی‌تهرانی، ۳۱۷/۲؛ دهقان، ۱۹۷/۳.

۲. نظام الاعرج، ۷۵/۳؛ طوفی، ۲۴۳؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ حائری طهرانی، ۱۶۴/۴؛ آل‌غازی، ۳۳۹/۳؛ شعراوی، ۳۶۰۸/۶.

۱۲-۳. دسته‌ی سوم: شباهت در ضبط اعمال برای روز حشر

از آنجا که این آیه با بحث حشر تمام می‌شود، تقریباً اکثر مفسران، موضوع وجود حشری شبیه به انسان برای حیوانات را مطرح کرده و به آیاتی هم استناد کرده‌اند؛^۱ اما اینکه مقصود از شباهت در عبارت «أُمَّمٌ أُمَّثَالُكُمْ» وجود حشری شبیه به انسان برای حیوانات باشد، تنها در برخی از تفاسیر به آن تصریح شده است (طبرانی، ۲۶/۳؛ ماتریدی، ۷۹/۴؛ طوسی، ۱۲۷/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳؛ و...)^۲.

بیان حشر در روز قیامت، به‌عنوان وجه شباهت در این آیه، بعضاً از طریق ابهریره به پیامبر(ص) نسبت داده شده است (ماتریدی، ۷۹/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲). زمخشری، کاشانی، ابوسعود و جمعی دیگر، در بیان این وجه شباهت، آورده‌اند که مقصود آن است که خداوند احوال تمامی موجودات را مانند انسان حفظ و ثبت می‌کند (زمخشری، ۲۰/۲؛ کاشانی، ۳۸۶/۳؛ و...)^۳ و با آن‌ها به عدالت برخورد خواهد شد (طوسی، ۱۲۷/۴).

علامه طباطبایی، با استناد به بخش آخر آیه که می‌فرماید: «ثُمَّ إِلَيَّ رُجُّهُمْ يُحْشَرُونَ»، مسئله‌ی ذی‌شعور بودن حیوانات را ملاک حشر و بازگشت به سوی خدا دانسته و آن را وجه شباهت انسان و حیوان معرفی کرده است (طباطبایی، ۷۳/۷). غیر از علامه که

۱. از جمله: «وَإِذَا أُلُوهُنَّ لَبِئْسَ مَا كُنَّ فِيهَا وَابْتَغَى الْوَعْدَ الْأُولَىٰ وَكَذَّبَتْ بِلِقَاءِ رَبِّهَا الَّذِي كَفَرَتْ» (التکویر، ۵)، که ابن عربی به آن استناد می‌کند (ابن عربی، ۷۸/۲).

۲. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۲۸۱/۷؛ زمخشری، ۲۰/۲؛ فخررازی، ۵۲۴/۱۲؛ بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ سمن، ۵۲/۳؛ طوفی، ۲۴۳؛ ثعالبی، ۴۶۲/۲؛ بقاعی، ۶۳۲/۲؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشانی، ۳۸۶/۳؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ حقی برسوی، ۲۶/۳؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶؛ حائری طهرانی، ۱۶۵/۴؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ طباطبایی، ۸۴-۷۰/۷؛ طیب، ۶۱/۵؛ رضایی اصفهانی، ۸۱/۶؛ جزایری، ۵۶/۲؛ امین، ۳۵/۵.

۳. ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ حقی برسوی، ۲۶/۳؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲.

ارتباطی میان صدر و ذیل آیه و همچنین ارتباط بین ذی شعور بودن و حشر را برقرار کرده و موضوع را تحلیل می‌کند، سایر مفسران، دلیل دیگری ارائه نکرده‌اند.

۴-۱-۲. دسته‌ی چهارم: شباهت در امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن

اکثر مفسران، با استناد به واژه‌ی «أُمَّمٌ» به وجه شباهت انسان و حیوان از جهت امت بودن اشاره داشته‌اند (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴-۱۲۸۶؛ ثعلبی، ۱۴۶/۴؛ ...).^۱ از میان متقدمان، این قول که دیگر موجودات هم مانند انسان اصنافی با نام‌های مشخص هستند و یا اینکه امت‌هایی هستند که زندگی اجتماعی دارند، به مجاهد^۲ و قتاده^۳ نسبت داده می‌شود (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴-۱۲۸۶؛ جرجانی، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ۶۰۶/۱؛ ...).^۴

المیزان و الفرقان، ارتباطی میان شعور حیوانات و زندگی اجتماعی آن‌ها برقرار کرده

۱. ابوالفتح رازی، ۲۸۱/۷؛ میبیدی، ۳۴۳/۳؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ فخررازی، ۵۲۳/۱۲-۵۲۶؛ ابن‌عربی، ۷۷/۲-۷۸؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳-۲۲۷؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸-۱۲۴؛ سیوطی، ۱۱/۳؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ آلوسی، ۱۳۵/۴-۱۳۹؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶-۹۰؛ قطب، ۱۰۸۳/۲-۱۰۸۵؛ رضا، ۳۸۹/۷-۴۰۳؛ حائری طهرانی، ۱۶۵-۱۶۴/۴؛ آل‌غازی، ۳۳۸/۳-۳۳۹؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ خسروانی، ۶۳/۳-۶۶؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ صادقی‌تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۰/۱۰-۱۵؛ فضل‌الله، ۸۸/۹-۹۱؛ مدرسی، ۵۸/۳؛ طیب، ۵۸/۵-۶۱؛ قرشی‌بنابی، تفسیر احسن‌الحديث، ۲۱۵/۳-۲۱۶؛ قرائتی، ۴۴۸/۲-۴۵۴؛ صادقی‌تهرانی، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۳۲؛ شحاته، ۱۲۶۱/۴-۱۲۶۲؛ حسینی‌همدانی، ۳۰/۵-۳۱؛ شعراوی، ۳۶۰/۶-۳۶۱؛ امین، ۳۷-۳۵/۵؛ داوریناه، ۱۷۴/۱۲-۱۷۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۵۶۰/۱؛ ماتریدی، ۷۹/۴-۸۰؛ طوسی، ۱۲۷/۴-۱۳۰؛ واحدی، ۳۵۲/۱؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳-۲۰۱۷؛ جرجانی، ۶۰۶/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ ابوحیان، ۵۰۴-۵۰۰/۴؛ سیواسی، ۱۳/۲-۱۴؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۸۵/۳.

۲. عن مجاهد فی قوله تعالی (إِلَّا أُمَّمٌ أَسْأَلُكُمْ) قال أصنعا مصنفة تعرف بأسمائها (رضا، ۳۹۲/۷).

۳. عن قتادة: الطیر أمة و الانس أمة و الجن أمة (رضا، ۳۹۲/۷).

۴. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ میبیدی، ۳۴۳/۳؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳-۲۲۷؛ ابوحیان، ۵۰۴-۵۰۰/۴؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸-۱۲۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ رضا، ۳۸۹/۷-۴۰۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ هواری، ۴۷۲/۱؛ سیوطی، ۱۱/۳.

(صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۳/۱۰) و دلایلی زیست‌شناختی برای آن ارائه می‌کنند. علامه، به ظرافت‌هایی عجیب در صنعت و لطایفی در طرز اداره‌ی مملکت بین زنبورعسل، مورچه و موریانه اشاره می‌کند که فقط در ملت‌های متمدن دیده شده است. وی همچنین به بیان قرآن در آیه‌ی «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (الجاثیه، ۴) می‌پردازد که مردم را به شناخت حیوانات و خلقت آن‌ها دعوت کرده است (طباطبایی، ۷۴/۷).

برخی از مفسران همچون شحاته، حسینی همدانی و شعراوی، در توضیح شعور و زندگی اجتماعی حیوانات، به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند (شحاته، ۱۲۶۱/۴-۱۲۶۲؛ حسینی همدانی، ۳۰۰/۵-۳۱۰؛ شعراوی، ۳۶۰۹/۶)؛ از جمله آیه‌ی هجدهم از سوره‌ی نمل که می‌فرماید: «قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (النمل، ۱۸) یا جریان هدهد در همین سوره (حسینی همدانی، ۳۰۹/۵). در بررسی این دسته از آراء، باید توجه داشت که استناد به واژه‌ی امم در این آیه و همچنین بررسی مثال‌هایی از زندگی اجتماعی حیوانات در طبیعت که علم بعدها به آن‌ها دست پیدا کرده است و استناد به آیات قرآن در اثبات شعور و وجود زندگی اجتماعی میان حیوانات، امت بودن حیوانات را نشان می‌دهد؛ اما برای نشان دادن اینکه مقصود از شباهت در «أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ»، تشابه حیوانات و انسان در شعور و زندگی اجتماعی است، هنوز نیازمند دلایل بیشتری هستیم.

۵-۱-۲. دسته‌ی پنجم: شباهت در هدایت

ابن جوزی و ابوحیان، در توضیح شباهت انسان و سایر موجودات در داشتن فهم و هدایت، آورده‌اند که خداوند برای مشرکین نیز هدایت و فهمی قرار داده تا با آن رسولشان را بشناسند؛ همان‌طور که برای تمام موجودات در درک مسائلشان هدایت قرار داده است (ابن جوزی، ۲۶/۲). دیگر مفسران هم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به وجود هدایت برای

نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أُمَّتُكُمْ» // ۴۱

انسان و حیوان، به‌عنوان وجه اشتراک، اشاراتی دارند (طوفی، ۲۴۳؛ مغنیه، التفسیر المبین، ۱۶۸؛ سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۲۸/۳؛ طیب، ۶۲/۵؛ شعراوی، ۳۶۰۸/۶). در این دسته از آراء نیز دلیل خاصی مبنی بر آنکه مقصود از شباهت در آیه‌ی مذکور، شباهت در هدایت باشد، ارائه نمی‌شود.

۶-۱۲. دسته‌ی ششم: شباهت در رفتارها

در میان برخی تفاسیر (فخررازی، ۵۲۳/۱۲-۵۲۶؛ ابوحیان، ۵۰۴-۵۰۰/۴؛ مهائی، ۲۱۷/۱؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ ابوزهره، ۲۴۹۰-۲۴۹۱/۵؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ صادقی‌تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۵-۱۰/۱۰)، از سفیان عیینه نقل شده است که «چون او [سفیان عیینه] این آیه را خواند، گفت: هر آدمی مشابه است در اخلاق و خوی با یکی از حیوانات، چنانکه می‌بینیم یکی مثل شیر جلو می‌رود، دیگری مثل گرگ می‌دود، یکی مثل سگ فریاد می‌کند و دیگری مثل طاووس خود را می‌آراید...» (عاملی، ۳/۴۳۴). مفسران، در بیان این رأی که شباهت میان انسان و حیوان را در «أُمَّتُكُمْ» وجود رفتارهای مشابه دانسته‌اند، دلیلی ارائه نمی‌کنند.

۷-۱۲. دسته‌ی هفتم: شباهت در داشتن روح الهی

عربی، در التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم، در تفسیر «أُمَّتُكُمْ»، می‌گوید تمام موجودات از این جهت شبیه‌اند که حقیقت همه‌ی آن‌ها روح الهی است که به شکل جماد و نبات و حیوان درآمده است (عربی، ۱/۱۹۶) و البته او هم دلیلی ارائه نمی‌دهد. در رد این نظر، باید به آیاتی از قرآن توجه داشت که روح را ویژه‌ی انسان آورده (الحجر، ۲۹؛ السجده، ۹) و حتی آیه‌ی «أَوْلَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (الاعراف، ۱۷۹) و آیه‌ی «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (الفرقان، ۴۴)، انسان‌هایی را شبیه به حیوان می‌داند که گمراه و غافل‌اند.

۸-۱-۲. دسته‌ی هشتم: شباهت در احاطه‌ی خداوند به احوال موجودات

برخی مفسران، در اشاره به عظمت و قدرت الهی در این آیه، وجه شباهت انسان و حیوان را در احاطه‌ی خداوند به حال کل موجودات دانسته‌اند (زمخشری، ۲۰/۲؛ قطب، ۱۰۸۳-۱۰۸۵/۲؛ قاسمی، ۳۵۰-۳۵۲/۴؛ ابوزهره، ۲۴۹۰-۲۴۹۱/۵؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ جزایری، ۵۶/۲؛ طنطاوی، ۶۹/۵). مفسران بعضاً این رأی را از قول زمخشری آورده‌اند و البته دلیلی برای اینکه در آیه همین وجه شباهت مد نظر باشد، ارائه نشده است؛ اما از آنجا که بحث احاطه‌ی خداوند به موجودات، به انسان و حیوان خلاصه نشده و مربوط به کل خلقت است، نمی‌توان این وجه شباهت را منظور آیه دانست.

۹-۱-۲. دسته‌ی نهم: شباهت در کثرت تعداد هر صنف

اینکه حیوانات، مانند انسان‌ها امتهایی هستند که شامل تعداد کثیری از مخلوقات می‌شوند، رأی دیگری است که از طرف برخی مفسران مطرح شده است (ماتریدی، ۷۹/۴؛ شیبانی، ۲۷۱/۲؛ جرجانی، ۵۴/۳؛ کاشانی، ۳۸۶-۳۸۷/۳؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ دخیل، ۱۷۳). ماتریدی، این رأی را به‌عنوان یک احتمال مطرح کرده و می‌گوید^۱ که ممکن است شباهت مطرح شده در «أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ»، در کثرت و زیادتی تعداد دیگر موجودات، مانند انسان باشد.

۲-۲. تفسیر آیه با توجه به ارتباط آن با آیات قبلی

۱-۲-۲. دسته‌ی دهم: همه‌چیز، آیه و نشانه خداست؛ پس آیه‌ی دیگری نخواهید.

این جزی، در بیان این مطلب، ابتدا به شباهت انسان و حیوان در خلق و داشتن شئون حیات اشاره کرده و سپس وجه مناسبت این آیه با آیات قبل از خود را عنوان می‌کند؛ به این ترتیب که در آیات قبل، از طرف کفار از پیامبر (ص) آیه و نشانه خواسته می‌شود و در این آیه، به تفکر در آیات الهی دعوت شده است. این جزی معتقد است چنانچه کفار در این آیات تدبیر

۱. «و یحتمل: إِلَّا أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ فِي الْكثْرَةِ، وَالْعَدَدِ، وَالْخَلْقِ وَالصَّنُوفِ تَعْرِفُ بِالْأَسْمَاءِ...» (ماتریدی، ۷۹/۴).

نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أُمَّتُكُمْ» // ۴۳

می‌کردند، همه را نشانه‌ی خدا دانسته و آیه‌ی جدید نمی‌خواستند (ابن جزری، ۲۶۰/۱). شبیه به همین رأی، در تفسیر بحر المحيط از ابوحنیفه نیز آورده شده است (ابوحنیفه، ۵۰۰/۴). بلاغی هم در عباراتی مشابه، آیه و نشانه‌ی قدرت خدا را در نظام زندگی موجودات و توانایی بر حشر آن‌ها دانسته است و نزول آیه‌ای غیر از آن را غیر ضروری می‌داند: «این امت‌ها (پس از زندگی گوناگون خود)، به‌سوی پروردگارش جمع کرده می‌شوند آیا این نشانه‌ی قدرت و توحید خدا نیست؟ ... آیا این آیات از معجزات درخواستی کودکانه‌ی شما کمتر است؟» (بلاغی، ۲۰۱/۲).

در نقد این رأی، باید توجه داشت که در این آیه، بحث کلی مطرح نیست. همه‌ی اجمالاً می‌دانیم که تمام چیزها، آیه و نشانه‌ی خداوند است. در این آیه، به‌طور خاص درباره‌ی «دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ» و «طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ» و شباهت این دو «أُمَّتُكُمْ» بحث می‌شود؛ پس در تفسیر آیه باید به شباهت این دو توجه داشت.

۲-۲-۲. دسته‌ی یازدهم: خداوندی که همه‌چیز را آفریده، قدرت دارد آیه‌ای را که می‌خواهید، بیاورد.

اینکه عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ»، اشاره به خلقت همه‌چیز توسط خدا دارد (رأی دسته‌ی اول) و این نشان از قدرت خداوند خالق است و اینکه خدا قطعاً می‌تواند آیه‌ای که خواسته‌اید را بیاورد، وجه دیگری است که در آراء برخی مفسرین مطرح شده و در کنار آراء پیشین، این آیه را به آیات قبل از خود پیوند می‌زند (خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴ و ...).^۱

۱. جرجانی، ۶۰۶/۱؛ فخررازی، ۵۲۵/۱۲؛ بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۷-۴۱۸/۱؛ آلوسی، ۱۳۵-۱۳۹/۴؛ ابن‌عجیبه، ۱۱۵/۲؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ شبر، تفسیر القرآن الکریم، ۱۵۳؛ ابن‌عاشور، ۸۶-۹۰/۶؛ قاسمی، ۳۵۰-۳۵۲/۴؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ هاشمی رفسنجانی، ۷۰-۷۲/۵؛ جزایری، ۵۶/۲؛ صابونی، ۳۶۱/۱؛ دروزه، ۸۸-۸۵/۴؛ حوی، ۱۶۲۱/۳.

فخررازی (فخررازی، ۵۲۵/۱۲) و عاملی، پس از بیان آنکه خداوند برای نزول آیه قدرت دارد، علت عدم نزول آیه را مصلحت نبودن آن بیان می‌کنند: «آن قدرت که مانند شما موجودات دیگر هم آفریده که از بهره‌های زندگی در آسایش هستند، می‌تواند آن معجزه را که مطالبه می‌کنید، بفرستد؛ پس بر مصلحت شما نیست که نمی‌فرستد» (عاملی، ۴۳۴/۳)؛ به این معنا که آن‌ها معتقدند آیه‌ی ۳۸ با آیه‌ی قبل در ارتباط است و در این آیه، جواب تحدی کفار داده شده است؛ اما در این حد که نشان دهد خداوند بر نزول آیه قادر است و لذا آیه‌ای نازل نشده، چون مصلحت نبوده است.

دروزه، شبیه به همین رأی را بیان کرده و نظر خواننده را به اسلوب قرآن جلب می‌کند که کفار با پیامبر در نزول آیه تحدی می‌کنند و خداوند نظر آن‌ها را به آیات عظیم موجود در آسمان‌ها و زمین و موجودات جلب کرده است و اینکه آن کس که به این آیات ایمان نمی‌آورد، به آیات دیگر هم ایمان نخواهد آورد (دروزه، ۸۵/۴). ظاهراً مقصود دروزه آن نیست که آیات طبیعت و موجودات، همان آیه‌ای هستند که کفار از پیامبر خواسته‌اند؛ بلکه مقصود آن است که آمدن آن آیه هم بی‌فایده خواهد بود.

۳- بررسی آراء مفسران

دو ایراد بر مفسران وارد است. ابتدا آنکه در بخش اول که آیه‌ی ۳۸ را مستقل از دیگر آیات بررسی کرده‌اند، در نظر نگرفتن مسائل پیشین مطرح شده در سوره، مفسر را از مطلب اصلی دور کرده است. هرچند وجود مسائلی مانند شباهت در خلقت، عبادت، حشر، امت بودن، هدایت شده بودن، رفتارهای حیوانی داشتن، روح الهی داشتن، کثرت موجودات و احاطه‌ی خداوند بر همه‌ی مخلوقات می‌تواند وجه شباهت انسان و حیوان در تفسیر «أَمْثَلُكُمْ» به‌شمار آید و تقریباً تمام این شباهت‌ها بین انسان و حیوان وجود دارد؛ اما توجه به ارتباط میان آیات، می‌تواند مقصود آیه را روشن کرده و قول صحیح را از میان آن‌ها انتخاب کند. اشکال دومی که بر این آراء وارد است، عدم ارائه‌ی دلیل و یا وجود دلایل ناکافی در

اثبات رأی انتخاب شده است. همان طور که در ذیل هر یک از دسته های آراء هم به اختصار آورده شده است، برای آراء دسته ی اول، پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم، هیچ دلیلی آورده نمی شود. در اثبات رأی دسته ی دوم، به آیات ۴۴ از سوره ی اسراء و ۲۴ از سوره ی نور با مضمون تسبیح همه ی موجودات استناد شده است که برای اثبات اینکه همین وجه شباهت میان انسان و حیوان در آیه مطرح بوده است، کافی نیست.

در دسته ی سوم، تنها علامه طباطبایی در بیان مسئله ی حشر، به بخش آخر از همین آیه استناد کرده است که در رأیی که از طرف ایشان مطرح شده، وجود شعور و زندگی اجتماعی، اصل مطلب مورد نظر بوده است (دسته ی چهارم). وی در اثبات وجود شعور برای موجودات، تنها به بخش آخر آیه، یعنی مسئله ی حشر استناد می کند؛ از این رو، باید تمایل ایشان را بیشتر بر رأی دسته ی چهارم دانست.

در دسته ی چهارم، یعنی اشاره به امت بودن حیوانات مانند انسان، به سه دلیل استناد شده است: اول، واژه ی «أُمَّمٌ» که در آیه آمده؛ دوم، مثال های طبیعی از زندگی اجتماعی حیوانات؛ و سوم، آیاتی از قرآن (سوره ی نمل) که به وجود شعور و زندگی اجتماعی برای حیوانات تصریح دارند. در این دسته، هر چند دلایل ارائه شده صحیح بوده و زندگی اجتماعی حیوانات را به عنوان موضوعی جالب که در زمان نزول قرآن از لحاظ علمی اثبات نشده بود، نشان می دهد؛ اما به دلیل عدم توجه این نظر به ارتباط میان آیات، بخش اصلی این استدلال، ناگفته مانده است.

در دسته ی دهم، توجه مفسران به ارتباط میان آیات، بخش دیگری از موضوع را روشن کرده است؛ اینکه کفار از پیامبر آیه خواسته اند و آیه ی ۳۸ با عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ»، می گوید تمام آنچه در خلقت است، آیه و نشانه ی خداست. البته این دسته در ادامه ی این استدلال، معتقدند که آیه از کفار خواسته حال که همه ی خلقت نشانه خداست، آیه دیگری نخواهند.

در دسته ی یازدهم نیز آراء مفسران کامل تر شده و علاوه بر توجه به ارتباط با آیات

قبل که در دسته‌ی دهم از آراء هم وجود داشت، به قدرت خداوند و توانایی در نزول آیه‌ی مورد نظر اشاره کرده‌اند؛ هرچند باز فخر رازی و عاملی (به دلیل نبود مصلحت در نزول آیه) و محمد دروزه (به دلیل بی‌فایده بودن نزول آیه)، معتقدند که آیه نازل نمی‌شود.

ع- تکمیل تفسیر آیه‌ی ۳۸ در ادامه‌ی آراء مفسران

تا به اینجا آراء قابل استناد با توجه به دلایل ارائه شده از طرف مفسران شناخته شد؛ اما در ادامه، برای تکمیل تفسیر این آیه باید به موضوعاتی که در تفاسیر باعث روشن‌تر شدن معنای آیه می‌شود، توجه داشت؛ یعنی بحث معنای امت، زندگی اجتماعی و بحث ارتباط آیات.

ع۱- جنبه‌ی اجتماعی موجود در معنای واژه‌ی «أُمَّةٌ»

راغب، در توضیح واژه‌ی «الْأُمَّةُ»، آورده است که به تمام گروه‌ها و جماعتی که به خاطر کاری و هدفی جمع می‌شوند، اطلاق می‌گردد؛ خواه آن کار دین واحد یا زمان و مکان واحد باشد، اجباری باشد یا اختیاری، به هر صورت، آن گروه واحد را «أُمَّةٌ» و جمعش را «امم» گویند (راغب اصفهانی، ۸۵).

قاموس القرآن، در معنای این لغت می‌آورد: «أُمَّةٌ: جماعتی که وجه مشترک دارند. امّ در لغت به معنی قصد است. گویند: "أُمَّةٌ: ای قَصْدَةٌ"، "أَمَّيْنُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ" (المائدة، ۲)، یعنی قاصدان خانه‌ی خدا؛ بنابراین، امّت به کسانی گفته می‌شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند» (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۱/۱۱۸).

آنچه به طور قطع می‌توان از آراء لغت‌شناسان استخراج کرد، بعد اجتماعی موجود در این واژه است. پس قرآن در بیان شباهت میان انسان و حیوان، با به‌کار بردن واژه‌ی «امه»، قطعاً به نوعی تعامل اجتماعی اشاره دارد که باید در رفتار اجتماعی حیوانات جستجو شود.

حتی در مثال‌های قرآنی که از حیوانات آورده می‌شود، بعد اجتماعی آن کاملاً مشهود است؛ مطابق آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی نمل «قَالَتْ نَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»، همان‌طور که انسان‌ها یکدیگر را از خطر مطلع می‌کنند،

مورچه نیز در قبال دیگر مورچه‌ها حس مسئولیت اجتماعی دارد. این احساس مسئولیت، بعد اجتماعی از زندگی مورچه را به نمایش گذاشته است. همچنین وصفی که هدهد از پادشاهی ملکه سبا دارد، تعامل اجتماعی این پرنده در جریانات زمان خود را نشان می‌دهد (النمل، ۲۰-۲۴).

۲-۴. اعجاز علمی مطرح در این آیه

با پیشرفت علم و ابزارهای سنجش شعور و رفتارهای اجتماعی میان حیوانات، این موضوع که از مصادیق اعجاز علمی در این آیه است، روزبه‌روز روشن‌تر می‌شود. وجود ارتباط میان آیه‌ای که کفار خواسته‌اند و توان خداوند بر نزول آیه و همچنین این موضوع که تمام طبیعت آیات خداوند است، از طرف بسیاری مفسران مطرح شده است؛ اما اینکه چرا از میان آیات طبیعت، خداوند به امت بودن حیوانات مانند انسان‌ها اشاره دارد و اینکه چه آیه و نشانه‌ای در داشتن شعور و زندگی اجتماعی میان حیوانات وجود دارد، باید در مصادیق اعجاز علمی جستجو شود؛ که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهد شد.

از جمله‌ی مسائل اجتماعی میان حیوانات، یادگیری اجتماعی است. یادگیری اجتماعی، به نوعی از یادگیری اشاره دارد که توسط مشاهده یا تعامل با یک حیوان دیگر صورت می‌پذیرد. یادگیری اجتماعی، در گونه‌های مختلف حیوانات مشاهده شده است؛ از جمله حشرات^۲، ماهی‌ها^۳، پرندگان^۴، خزندگان، دوزیستان^۵ و پستانداران^۶.

دکتر شارلوت اوهلن بروک، محقق انگلیسی در زمینه‌ی رفتار جانوران، در فصلی از کتاب خود با عنوان زندگی حیوانات، با اشاره به این موضوع که «تعداد بسیار کمی از حیوانات، زندگی خود را در تنهایی به سر می‌برند و برخی از دیدنی‌ترین رفتارها زمانی اتفاق می‌افتد که حیوانات با هم جمع می‌شوند»^۷، به نمونه‌هایی جالب از رفتارهای اجتماعی حیوانات پرداخته است.

1. Galef & Laland, p489; Galef & Giraldeau, p3-15.

2. Alemet al., p1.

3. Brown et al., p. 280-288.

4. Slagsvold, p. 969-977.

5. Ferrari, p621-627.

6. Whiten & Van de Waal, p58-75.

7. Uhlenbroeck, p. 421.

از جمله‌ی تحقیقات اوهلن بروک، نشان دادن دموکراسی در تصمیم‌گیری گروهی زنبورها است؛ به این ترتیب که زمانی که قصد تغییر محل کلونی را داشته باشند، عده‌ای از زنبوران پیشاهنگ مأمور یافتن محل جدید می‌شوند. پس از بازگشت، هر یک از آن‌ها درحین نوعی رقص، محل مورد نظر خود را نشان داده و دیگر زنبوران، گرد آن‌ها جمع می‌شوند. این روند، تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یکی از گروه‌ها تعدادشان به‌طور چشمگیری از بقیه‌ی گروه‌ها بیشتر شود. این به معنای پیروزی آن گروه در انتخاب محل کلونی جدید است.^۱

پرفسور کارل فون فریش اتریشی‌الاصل، استاد جانورشناسی در دانشگاه مونیخ آلمان بود. وی به خاطر تحقیقاتش در زمینه‌ی شیوه‌ی ارتباط و زندگی زنبورها در سال، ۱۹۷۳ برنده‌ی جایزه نوبل شد. پیش از تحقیقات او، وجود زبان نمادین، از ویژگی‌های بی‌همتا و بنیادی انسان به‌شمار می‌رفت؛ اما با کشف راز حرکت‌های چرخشی و جنبشی زنبوران پیشاهنگ بر روی کندو، زبان نمادین در میان حشرات هم اثبات شد.

فون فریش، در تحقیقات خود دریافت که در پیدا کردن غذا توسط زنبورها، پس از پدیدار شدن یک زنبور پیشاهنگ در اطراف ظرف غذا، سروکله‌ی تعداد زیادی زنبوران سرباز پیدا می‌شود. ابتدا حدس او آن بود که سربازان بوی غذایی را که قسمتی از آن توسط پیشاهنگ آورده شده، ردیابی می‌کنند؛ اما با آزمایشات متعدد، این فرضیه به اثبات نرسید و او دریافت که زنبور پیشاهنگ از حرکات نمادین چرخشی و جنبشی بر روی کندو برای مخابره اطلاعات محل غذا استفاده می‌کند.

فون فریش دریافت که اگر ظرف غذا در نزدیکی کندو باشد، زنبورهای پیشاهنگ، حرکت دایره‌ای (چرخشی) و اگر ظرف غذا دورتر باشد، حرکات جنبشی را روی کندو اجرا می‌کنند. او به مرور متوجه جزئیات بیشتر و دقیق‌تری درباره‌ی انواع حرکات زنبورها شد؛ از جمله اینکه با افزایش فاصله‌ی غذا، سرعت یا آهنگ حرکت زنبور پیشاهنگ روی کندو بیشتر می‌شود. همچنین دریافت زاویه‌ی حرکت جنبشی، با زاویه محل غذا نسبت به

1. ibid, p425.

نور خورشید برابر است. بدین ترتیب، حرکت جنبشی و چرخشی زنبورهای پیشاهنگ علاوه بر فاصله، جهت منبع غذا را نیز مخابره می‌کند و زنبورهای سرباز، با کمک این اطلاعات می‌توانند منبع غذا را پیدا کنند. در تحقیقات بعدی نشان داده شد حرکات زنبورهای پیشاهنگ به گونه‌ای قابل پیش‌بینی با هم متفاوت است؛ همان‌طوری که منابع غذایی به لحاظ فاصله و جهت با هم تفاوت دارند و به این ترتیب زنبورهای سرباز، با کمک اطلاعات حاصل از حرکات پیشاهنگ‌ها، محل منبع غذا را پیدا می‌کنند. همچنین، فون فریش دریافت که زنبورهای سرباز می‌توانند محل غذا را حتی در روزهای ابری که موقعیت خورشید نامعلوم است، پیدا کنند.^۱

رسم احوالپرسی و زندگی خانوادگی میان فیل‌ها^۲، وجود استرس و روش‌های دفع آن میان میمون‌ها^۳، بچه‌دزدی و بردگی میان موش‌ها^۴، نحوه‌ی شناسایی فرزندان در میان پنگوئن‌ها^۵ و مسیریابی در میان مورچه‌ها^۶، از دیگر رفتارهای اجتماعی و ارتباطی میان حیوانات است که به‌عنوان تعاملات اجتماعی حیوانات می‌توان به آن اشاره داشت.

۲-۴. توجه به ارتباط آیات در سوره

بسیاری از مفسران، محور اصلی سوره‌ی انعام را اصول دین و جدال با کفار بر سر اصول، دانسته‌اند.^۷ از همان ابتدای سوره، انکار خدا، پیامبر(ص) و کتب آسمانی از طرف

1. Von Frisch, p 206-226.

2. Uhlenbroek, p 467.

3. ibid, p 436.

4. ibid, p 435.

5. ibid, p 459.

6. ibid, p 474.

۷. سیدقطب، در تفسیر خود، فی ظلال القرآن، حقیقت الوهیت را محور اصلی سوره می‌داند (قطب، ۱۰۲۲/۲-۱۰۲۵).

علامه در المیزان نیز محوریت توحید و اصول دین را بیان می‌کند (طباطبایی، ۵/۷). بقاعی در نظم الدرر فی تناسب

الآیات و السور و محمود شحاته در اهداف کل سوره و مقاصدها،^۷ محور سوره را اصول دین می‌دانند (بقاعی،

۱/۷؛ شحاته، ۷۹). عبدالعلی بازرگان در نظم قرآن، پس از اشاره به برجستگی موضوع جدل با کفار در این سوره،

محور اصلی را مسائل ایدئولوژیک یعنی همان توحید، نبوت و قیامت معرفی می‌کند (بازرگان، ۱۳۱/۱).

کفار مطرح است.^۱ همچنین بحث هدایت به وسیله آیات طبیعت و آیات کتب آسمانی، از آیه‌ی سوم شروع شده و تا آخر سوره به کرات مطرح می‌شود.^۲ با توجه به موضوعات اصلی مطرح شده در سوره، می‌توان مطالب ذکر شده در آیه‌ی ۳۸ و آیات قبل از آن را تحلیل کرد؛ به این ترتیب که از ابتدای سوره تا آیه‌ی ۳۲، تکذیب هر یک از اصول دین توسط کفار، مهم‌ترین مسئله‌ی مطرح در سوره است. آیات ۳۳ و ۳۴، خطاب به پیامبر و با اشاره به این موضوع که تمامی پیامبران پیش از تو هم تکذیب شده‌اند، به دلداری پیامبر پرداخته و در ادامه می‌فرماید که بدون مشیت و خواست خدا نمی‌توانی کفار را هدایت کنی و اگر خداوند می‌خواست، خود همه را هدایت می‌کرد.

این کفار که در آیات قبل به تکذیب پیامبر و آیات قرآن پرداخته‌اند، (آیات ۷-۱۰؛ آیات ۲۱، ۲۰، ۲۵، ۲۷) در آیه‌ی ۳۷، درخواست آیه‌ای از طرف خدا می‌کنند، غیر از آیات قرآن که پیش‌تر توسط آن‌ها تکذیب شده است: «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (الانعام، ۳۷). خداوند در جواب این درخواست در سیاق حاضر به پیامبر می‌فرماید: «بگو خداوند می‌تواند آیه‌ای نازل کند» و سپس در سیاق غائب می‌فرماید: «اما آن‌ها آیه را درک نمی‌کنند».

سپس بلافاصله در آیه‌ی ۳۸، نشانه‌ای از آیات طبیعت آورده شده است که می‌فرماید:

۱. آیات با موضوع کفر در سوره انعام: ۲-۴-۵-۶-۷-۸-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۳-۶۴-۶۶-۶۷-۶۸-۷۰-۷۱-۷۴-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۸-۸۹-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۳-۱۶۴.

۲. آیات مربوط به هدایت با آیات طبیعت و آیات کتب آسمانی: ۱-۳-۴-۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۹-۲۰-۲۱-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۳۳-۳۴-۳۵-۳۷-۳۸-۳۹-۴۶-۴۹-۵۴-۵۵-۵۹-۶۰-۶۳-۶۴-۶۵-۶۸-۷۱-۷۳-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۱-۸۹-۹۰-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۱-۱۰۵-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۴-۱۱۶-۱۱۸-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۰-۱۳۶-۱۳۸-۱۴۱-۱۴۴-۱۴۵-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸.

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (الانعام، ۳۸)؛ به این معنا که خداوند، زندگی اجتماعی حیوانات را که از مصادیق اعجاز علمی قرآن است، جلوی چشم کافران قرار داده و البته می‌داند که آن را درک نمی‌کنند: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (الانعام، ۳۷).

همان‌طور که ابن جزری و ابوحیان هم در دسته‌ی دهم آراء اشاره کرده‌اند، آیات طبیعی ذکر شده در آیه‌ی ۳۸، در راستای درخواست کفار برای نزول آیه‌ای غیر از قرآن است؛ اما این مفسران، کل خلقت را آیه و نشانه‌ی خدا دانسته‌اند و به آیت بودن زندگی اجتماعی حیوانات مانند انسان‌ها، اشاره‌ای نمی‌کنند.

دسته‌ی یازدهم نیز از این جهت بحث را عقیم گذاشته‌اند که معتقدند خداوند می‌تواند آیه‌ای بیاورد؛ اما اشاره نمی‌کنند که نشانه‌ی خواسته‌شده، در آیه‌ی ۳۸ آورده شده است. حتی فخر رازی و عاملی، معتقدند که آیه نازل نشده است، چون مصلحت نیست (فخر رازی، ۵۲۵/۱۲؛ عاملی، ۴۳۴/۳)؛ و دروزه، می‌گوید آیه آورده نشده است، چون آن‌ها که به آیات قبلی ایمان نیاورده‌اند، نزول این آیه هم برایشان بی‌فایده خواهد بود (دروزه، ۸۵/۴). حال آنکه با توجه به واژه‌ی «امم» و با دقت در آیاتی از قرآن که زندگی اجتماعی مورچه و شعور همد را به‌عنوان نمونه‌هایی از زندگی اجتماعی و درک حیوانات آورده است، همچنین با توجه به مصادیق اعجاز علمی که امروزه پررنگ‌تر از قبل مطرح است، می‌توان ارتباط میان این آیات را کامل‌تر از آنچه تاکنون مطرح شده، نشان داد؛ به این ترتیب که آیه‌ی خواسته‌شده توسط کفار، می‌تواند همان زندگی اجتماعی بیان‌شده در «أُمَّمٌ أَمْثَلُكُمْ» باشد که امروزه تعجب دانشمندان جانورشناس را برانگیخته و نشانه‌ای از حقانیت قرآن است که سال‌ها قبل از پیدایش این علوم، به زندگی اجتماعی و شعور حیوانات اشاره داشته است.

نتایج مقاله

آراء مفسران در تفسیر عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ

أَمْثَالِكُمْ»، بدون در نظر داشتن ارتباط آیات، در نه دسته‌ی مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن، شناخت و عبادت خدا، ضبط اعمال برای روز حشر، امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، هدایت، شباهت در رفتارها، شباهت در داشتن روح الهی، احاطه‌ی خداوند به احوال همه‌ی موجودات و کثرت (هر صنف مشتمل بر تعداد زیادی هستند). از میان این نه دسته، دلایل ارائه‌شده در دسته‌ی چهارم، یعنی امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، از دیگر دسته‌های آراء قوی‌تر است. دو دسته دیگر از مفسران، با در نظر داشتن ارتباط میان آیات، معتقدند که همه‌چیز، آیه و نشانه‌ی خداست. پس کفار نباید آیه‌ی دیگری بخواهند؛ و دسته‌ی دوم، معتقدند خداوندی که همه‌چیز را آفریده، قدرت دارد آیه‌ای را که می‌خواهید، بی‌آورد. این دو دسته از آراء، دلایل قوی‌تری نسبت به آراء قبلی دارند؛ هرچند کاملاً موضوع را بیان نکرده‌اند.

توجه به ارتباط میان آیات قبل از آیه‌ی ۳۸ و همچنین در نظر داشتن دسته‌های چهارم، دهم و یازدهم از آراء که دلایل کامل‌تری ارائه کرده‌اند و همچنین توجه به اعجاز علمی ذکرشده در آیه، به تفسیر این عبارت کمک کرده و نشان می‌دهد که کفار پس از تکذیب آیات قرآن و رسالت پیامبر، از ایشان آیات دیگری خواستند و خداوند پس از بیان توانایی و قدرت خود در نزول آیه، بلافاصله به زندگی اجتماعی حیوانات که امروزه با دریافت‌های جدید علمی از مصادیق اعجاز علمی به‌شمار می‌رود، اشاره کرده و آیه را در حقیقت بر آن‌ها نازل کرده است؛ اما به تعبیر آیه‌ی ۳۷، اکثر آن‌ها علمش را ندارند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ش.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، ۱۴۱۶ق.
۷. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
۸. ابن عادل، عمر بن علی، اللباب فی علوم الکتاب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن عاشور، محمداطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابن عجبیه، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
۱۱. ابن عربی، محمد بن علی، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، دمشق: مطبعة نصر، ۱۴۱۰ق.
۱۲. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۴. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۶. ابوحنیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۷. ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۸. ابوعبیده، معمر بن منی، مجاز القرآن، قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۳۸۱ش.
۱۹. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۲۰. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، [بی جا]: [بی نا]، بی تا.
۲۱. بازرگان، عبد العلی، نظم قرآن، تهران: نشر قلم، ۱۳۷۵ش.
۲۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۲۳. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۷ق.
۲۵. بلاغی، عبدالحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: حکمت (چاپخانه)، ۱۳۸۶ش.

۲۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۷. پانی‌پتی، ثناءالله، التفسیر المظهری، پاکستان-کویت: مکتبه رشديه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۹. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۰. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان، ۱۳۹۸ش.
۳۱. جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ش.
۳۲. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، عمان: دار الفكر، ۱۴۳۰ق.
۳۳. جزایری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير، مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحكم، ۱۴۱۶ق.
۳۴. جمل، سلیمان بن عمر، الفتوحات الإلهیه بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق الخفیة، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۳۵. حائری طهرانی، علی، مقتنیات الدرر، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۳۸ش.
۳۶. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
۳۷. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفكر، بی‌تا.
۳۸. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ق.
۳۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۰. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴۱. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۴۲. خطیب شریینی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشریینی المسمی السراج المنیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
۴۳. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفكر العربی، ۱۴۲۴ق.
۴۴. خفاجی، احمد بن محمد، حاشیه الشهاب المسماة عناية القاضی و كفاية الراضی علی تفسیر البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۵. داوریناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش.
۴۶. دخیل، علی محمد علی، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (دخیل)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق.
۴۷. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۸. دهقان، اکبر، نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم، قم: حرم، ۱۳۸۷ش.
۴۹. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۵۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۵۱. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۴ق.
۵۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.

۵۳. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.
۵۴. زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۸ق.
۵۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۶. سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۵۷. همو، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۵۸. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۵۹. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الكتاب المکتون، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۶۰. سیدکریمی حسینی، عباس، تفسیر علین، قم: اسوه، ۱۳۸۲ش.
۶۱. سیواسی، احمد بن محمود، عیون التفاسیر، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۷ق.
۶۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۴۰۴ق.
۶۳. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۶۴. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
۶۵. همو، تفسیر القرآن الکریم (شبر)، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۶۶. شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم، قاهره: دار غریب، ۱۴۲۱ق.
۶۷. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، بیروت: ادارة الکتب و المکتبات، ۱۹۹۱م.
۶۸. شوکانی، محمد، فتح القدر، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۶۹. شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۳ق.
۷۰. شیخ زاده، محمد بن مصطفی، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۷۱. صابونی، محمد، صفوة التفاسیر، بیروت: دار الفکر علی، ۱۴۲۱ق.
۷۲. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی، ۱۴۱۹ق.
۷۳. همو، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۷۴. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۷۵. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۷۶. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۷۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ش.
۷۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن - اربد: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۷۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.

۸۰. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۸۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۸۱. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۸۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۸۳. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی، الإشارات الالهیة الی المباحث الاصولیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۸۴. طبیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۸۵. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۳۶۰ش.
۸۶. عربی، محمد غازی، التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم، دمشق: دار البشائر، ۱۴۲۶ق.
۸۷. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۸۸. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۸۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۹۰. قاسمی، جمال‌الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۹۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۹۲. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ش.
۹۳. همو، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۹۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۹۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیرکنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۹۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۹۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلیزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
۹۸. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۱۰ق.
۹۹. کاشفی، حسین بن علی، تفسیر حسینی (مواهب علیّه)، سراوان: کتابفروشی نور، بی تا.
۱۰۰. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۱۰۱. محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۱۰۲. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۱۰۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۰۴. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۰۵. همو، التفسیر المبین، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۵ق.
۱۰۶. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۱۷ش.

۱۰۸. مکی بن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهایة، -امارات- شارجه: جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ق.
۱۰۹. مهائمی، علی بن احمد، تفسیر القرآن المسمى تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.
۱۱۰. مبیدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
۱۱۱. نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل، بیروت: دار النفائس، ۱۳۱۶ش.
۱۱۲. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۱۱۳. نووی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۱۱۴. نهاوندی، محمد، فحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ش.
۱۱۵. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إيجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۱۶. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی)، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۵ق.
۱۱۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
118. Alem, Sylvain, Clint J. Perry, Xingfu Zhu, Olli J. Loukola, Thomas Ingraham, Eirik Søvik, and Lars Chittka. "Associative mechanisms allow for social learning and cultural transmission of string pulling in an insect." PLOS Biology 14, no. 10 (2016): e1002564.
119. Brown, Culum, and Kevin N. Laland. "Social learning in fishes: a review." Fish and fisheries 4, no. 3 (2003): 280-288.
120. Ferrari, Maud CO, François Messier, and Douglas P. Chivers. "First documentation of cultural transmission of predator recognition by larval amphibians." Ethology 113, no. 6 (2007): 621-627.
121. Galef Jr, Bennett G., and Luc-Alain Giraldeau. "Social influences on foraging in vertebrates: causal mechanisms and adaptive functions." Animal behaviour 61, no. 1 (2001): 3-15.
122. Galef, Bennett G., and Kevin N. Laland. "Social learning in animals: empirical studies and theoretical models." Bioscience 55, no. 6 (2005): 489-499.
123. Slagsvold, Tore, and Karen L. Wiebe. "Social learning in birds and its role in shaping a foraging niche." Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences 366, no. 1567 (2011): 969-977.
124. Uhlenbroek, Charlotte, Animal Life: Secrets of the Animal World Revealed, New York: 2011.
125. Von Frisch, K. The Dancing Bees, Chicago: University of Chicago Press, 2016.
126. Whiten, Andrew, and Erica van de Waal. "Social learning, culture and the 'socio-cultural brain' of human and non-human primates." Neuroscience & Biobehavioral Reviews 82 (2017): 58-75.



